



لزوم تخصصی سازی دعاوی تجاری و ضرورت ایجاد محاکم اختصاصی تجاری

ابراهیم ناصرشادباد^۱

چکیده

باتوجه به اینکه در کشور ما اصل بر صلاحیت دادگاه‌های عمومی می باشد. دادگاه‌های اختصاصی، استثناء بوده و به موارد مصرح در قوانین آیین دادرسی محدود می شود. با اینکه قانونگذار به اهمیت تخصصی سازی دعاوی مختلف واقف می باشد و قدم‌های موثری برای تخصصی سازی دعاوی و ایجاد دادگاه تخصصی از جمله دعاوی خانواده و ایجاد دادگاه خانواده برداشته است. با وجود این نظام قضاوتی کشورمان در حال حاضر فاقد دادگاه اختصاصی تجاری می باشد. هرچند که در چند سال اخیر یک دادگاه تجاری تحت عنوان مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تأسیس شد ولی به جهت فقدان آیین دادرسی تجاری در امر رسیدگی، دادرسی تجاری مشمول قواعد عمومی رسیدگی گردید و از طرف دیگر این دادگاه‌ها شعبی از دادگاه‌های عمومی می باشد و اختصاصی محسوب نشده و ارجاع دعاوی دیگر نیز به این شعب بلا مانع است. لذا برای پاسخ به این سوال اساسی که فقدان دادگاه اختصاصی تجاری موجب بروز چه مشکلاتی در سیستم قضاوتی کشور میشود لزوم تخصصی سازی دعاوی تجاری و ایجاد محاکم تجاری اختصاصی در سیستم قضاوتی ایران مورد بررسی قرار می گیرد. در این پژوهش به روش تصیفی-تحلیلی و با مطالعه کتب و مقالات موجود به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده خواهد شد و نتیجه اینکه فقدان دادگاه اختصاصی با عنایت به ویژگی‌های حقوق تجارت و دعاوی تجاری بروز مشکلات عدیده ای از جمله از بین رفتن اعتماد تجار، اطاله دادرسی و عدم رشد و توسعه تجاری و اقتصادی در کشور خواهد بود.

کلید واژه: دعاوی تجاری، دادگاه تجاری، دادگاه اختصاصی.

^۱ وکیل پایه یک دادگستری و استادیار گروه حقوق، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

مقدمه

در حقوق ایران مانند حقوق اکثر کشورهای جهان امور تجاری از امور مدنی تفکیک داده شده است و مقررات خاصی در خصوص امور تجاری و تجار وضع و تصویب شده است. در قانون تجارت و قانونگذار از امور تجاری نام برده و برخی از امور را به طور احصایی تجاری (اصلی یا تبعی) خوانده است (مواد ۲ و ۳ ق.ت) و خارج از این امور را غیر تجاری قلمداد نموده است و حتی صراحتاً برای رفع هر گونه ابهام قانون گذار به غیر تجاری بودن برخی از امور هم اشاره نموده است (ماده ۴ ق.ت و ماده ۵۴ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۴۷) بنابراین با تفکیک بین اعمال تجاری و اعمال غیر تجاری به تفاوت آنها واقف بوده و با توجه به ویژگی‌های خاص امور تجاری آن را مشمول قواعد خاصی نموده و احکام و آثار ویژه ای برای این امور پیش بینی نموده است .

با وجود این تفکیک اعمال تجاری با اعمال غیر تجاری تابع یک نوع نظام رسیدگی و آیین دادرسی واحد می‌باشند (ماده یک ق. آ.د.م) سوالی که مطرح می‌شود این است. با وجود اصول خاص حاکم بر امور تجاری مانند اصل تخصص، اصل سرعت، اصل امنیت و اصل تساوی بین طلبکاران در ورشکستگی، تجار چرا باید دعاوی تجاری مانند سایر دعاوی در دادگاه عمومی رسیدگی شده و تابع یک نوع آیین دادرسی باشند، بنابراین تفکیک بین امور تجاری و غیر تجاری در نظام حقوقی ما چه فایده ای خواهد داشت؟

با اینکه در سیستم قضایی ایران تفکر ایجاد دادگاه تجاری و تلاش در این زمینه سابقه دیرینه دارد ولی بنا به عللی نتیجه مطلوب حاصل نشده و موفقیتی صورت نگرفته است.

امروزه با توجه به گسترده تر و پیچیده تر شدن روابط میان اشخاص، تخصص گرایی در رسیدگی به دعاوی میان آنها، امری اجتناب ناپذیر شده است و نتیجه مطلوب، رسیدگی تخصصی و دقیق می‌طلبد و قانونگذار نیز تا حدودی به این مهم رسیده است . ایجاد دادگاه‌های اختصاصی خانواده، اطفال و محاکمی از این قبیل نشانگر این است که قانون گذار سعی بر آن دارد که از عمومیت دادگاه‌های عمومی بکاهد و روی به تخصصی سازی بیاورد. ولی این روند خیلی کند و آهسته پیش می‌رود و مدت‌ها زمان لازم است تا ما شاهد این تخصصی سازی در زمینه وسیع از دعاوی و اختلافات حقوقی باشیم یکی از این حوزه‌های تخصصی، حوزه تجارت و دعاوی مربوط به آن است. زیرا رسیدگی به دعاوی تجاری با توجه به اصل سرعت هم باید سریع وهم به جهت تخصصی بودن باید به طور دقیق انجام گیرد تا اعتماد تجار، به امور تجاری که انجام می‌دهند جلب شده و از نوعی تضمین برای احقاق حقوق خودشان برخوردار باشند.

با وجود این فعالیت‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است. در کشور ما محاکم اختصاصی تجاری به موجب حکم قانون و مجزا از شعب دادگاه‌های عمومی با آیین دادرسی خاص با حضور قضات متخصص و آشنا به امور تجاری تشکیل نشده و وجود ندارد.

۱- پیشینه تاریخی تشکیل دادگاه‌های تجاری

اولین دادگاه‌های تجاری که در حقیقت یک مرجع صنفی برای رسیدگی به اختلافات تجاری بود در سال ۱۳۰۱ هـ. ق تشکیل شد. این محکمه که اصطلاحاً مجلس تجارت بود با صدور فرمانی از سوی ناصرالدین شاه تحت نظارت وزارت تجارت شروع به کار کرد. (متین دفتری، ۱۳۹۰، ۵۳) این محکمه تا زمان مشروطه به فعالیت خود ادامه می‌داد. فکر ایجاد محاکم تجاری بعد از آن با تصویب قانون موقت محاکم تجارت در تاریخ ۲۴ / شعبان / ۱۳۳۳ هـ. ق آغاز شد و با تصویب قانون تشکیل محاکم تجارت در کمسیون عدلیه در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۱۴ هـ. ش تکمیل گردید. (اسکینی، ۱۹، ۱۴۰۱)

محکمه تجارت که به موجب قانون ۱۳۳۳ هـ. ق موجودیت قانونی داشت و به دعاوی تجاری با مشاوره عده ای از تجار مجرب رسیدگی می‌گردد. با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸ هـ. ش از سیستم قضایی ایران حذف گردید و از آن پس رسیدگی به اختلافات بازرگانی نیز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و مشمول قانون آیین دادرسی مدنی قرار گرفت (شمس، ۱۴۰۰، ۳۶) لازم به ذکر است که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به موجب ماده یک این قانون رسیدگی به دعاوی بازرگانی در صلاحیت دادگاه عمومی است.

اقدامات جدیدی که در خصوص تخصصی سازی دعاوی تجاری و تشکیل محکمه اختصاصی تجاری صورت گرفته است. تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری می‌باشد این لایحه مشتمل بر ۱۳۳ ماده در تیر ماه سال ۱۳۹۹ هـ. ش به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. هدف از تدوین این قانون رسیدگی تخصصی و دقیق و سریع در اختلافات ناشی از مسایل تجاری با تشکیل دادگاه خاص تجاری می‌باشد. ولی متأسفانه لایحه مذکور تا کنون به تصویب نرسیده و به عنوان قانون قابلیت اجرایی ندارد. از اقدامات موثر دیگر تدوین دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تهران توسط رییس قوه قضاییه می‌باشد.

ولی از آنجایی که به موجب ماده یک این دستورالعمل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران متشکل از شعبی از دادگاه‌های عمومی می‌باشد. بنابراین این دادگاه یک دادگاه عمومی است و تفاوتی با دیگر محاکم عمومی ندارد یعنی صلاحیت آن عمومی بوده و امکان ارجاع دعاوی دیگر نیز به آن وجود دارد. در حالی که دادگاه اختصاصی به موجب قانون تشکیل می‌شود و تنها در صلاحیت ذاتی خود اقدام به رسیدگی و حل و فصل اختلافات می‌نماید. علاوه بر آن این شعب به جهت فقدان آیین دادرسی ویژه تجاری، رسیدگی خود را بر اساس مقررات عمومی آیین دادرسی انجام می‌دهند.

در لایحه تجارت که تدوین آن از سال ۱۳۸۴ شروع شده و در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ و نهایتاً در سال ۱۴۰۳ اصلاحاتی در آن صورت گرفته، صحبت از دادگاه تجاری شده و ضرورت تشکیل آن در این لایحه بیان شده است. ولی این لایحه نیز تا به حال تصویب نهایی نشده است.

۲ - اهمیت تخصصی سازی و ایجاد محکمه تجاری با توجه به ویژگی‌های امور تجاری

تحقیق و مطالعه در مقررات ویژه تجاری ضرورت و اهمیت تخصصی سازی و ایجاد دادگاه خاص تجاری را بیش از پیش آشکار می‌نماید و مسلماً تفکیک دعاوی تجاری و طرح آن در دادگاه‌های تجاری به این منظور قابل اهمیت است. که این ویژگی‌های خاص در رسیدگی به اختلافات تجاری مورد لحاظ قرار گیرند. به جهت اهمیت موضوع این ویژگی‌ها به ترتیب در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- تخصصی بودن امور تجاری

با اینکه از سابق نظر حقوقدانان براین بود که حقوق تجارت تحت تأثیر مقررات مدنی می‌باشند و قانونگذار به جهت تصویب اصول کلی در قانون مدنی برای امور تجاری اصولی پیش بینی نکرده است و قانون مدنی قانون عام یا قانون مادر است و هر جا که قانون تجارت در خصوص امری، ساکت می‌باشد به قانون مدنی مراجعه می‌شود. تا جایی که اساتید حقوق مدنی (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۲۰۷) و نیز برخی از اساتید حقوق تجارت (ستوده تهرانی ۱۳۸۸، ج ۱، ۲۶) براین باورند که سایه قانون مدنی بر قانون تجارت است و حقوق تجارت دست پرورده حقوق مدنی است.

ولی علی‌رغم وابستگی حقوق تجارت به حقوق مدنی امروزه اهمیت عملی حقوق تجارت در جامعه امروزی حتی از حقوق عام هم بیشتر است و در نظر حقوقدانان آنچه در کشورهای بزرگ صنعتی رخ داده در کشورما نیز اتفاق افتاده است. ساختار اقتصادی جامعه در زمان حال و ورود صنایع بزرگ موجب افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی شده و تعداد اشخاصی که در صنعت و تجارت فعالیت می‌نمایند نسبت به کسانی که کشاورزی یا فعالیت‌های غیر تجاری می‌کنند افزایش یافته است. و بیشترین حجم ثروت جامعه در اختیار تجار و ارباب صنعت است. (اسکینی ۱۳۹۸، صص ۴۱، ۴۲ و ۴۳) هرچند که حقوق تجارت منشعب از حقوق مدنی است. و از حقوق مدنی جدا شده است. ولی نمی‌توان تخصصی بودن آن را انکار نمود. با گذشت زمان، متنوع شدن امور تجاری، افزایش سطح معاملات تجاری در حوزه داخلی و بین‌المللی و گسترش مراودات و روابط تجاری، حقوق تجارت را پیش از پیش به سوی تخصصی شدن برده است و راه حقوق تجارت از قالب‌های رایج معاملات و قرار دادهای مندرج در فقه و حقوق مدنی جدا نموده است و نیاز به وضع قوانین جدید برای پاسخ‌گویی به این تخصصات و تنظیم روابط تجاری جدید پیش از قبل ضرورت پیدا کرده است. بنابراین در حال حاضر یکی از ویژه‌گی‌های خاص حقوق تجارت، تخصصی بودن آن است. و این ویژگی در امور تجاری مستلزم وجود دادگاه‌های اختصاصی مجزا از دادگاه‌های عمومی است. که با قضات متخصص در امر تجارت تشکیل گردند و مشکل با اختصاص چند شعبه از شعب دادگاه‌های عمومی با همان قضات قابل حل به نظر نمی‌رسد.

۲-۲- اصل سرعت در امور تجاری و دادرسی تجاری

در عرصه تجارت، سرعت به جهت ایفای نقش اساسی در کاهش زمان و جلوگیری از اتلاف منابع، جوهر حقیقی تجارت بوده و دارای اهمیت بنیادین در روابط تجاری است. در امور تجاری، ویژگی سرعت، در قواعد راجع به تشکیل تعهدات تجاری و اثبات آن، آیین دادرسی ساده و سریع و اجرای موقت احکام تجاری ملاحظه می‌شود. (افتخار جهرمی، خراسانی، ۱۳۹۶، ۴۸) در کنار ویژگی تخصصی بودن حقوق تجارت، باید گفت که وجود تشریفات دست و پاگیر و قالب‌های پیچیده و سایر عوامل بازدارنده تحرک سیستم تجاری، از مبادله آزاد کالاها و خدمات جلوگیری نموده و موجب رکود سرمایه شده و سرعت گردش سرمایه را کند می‌نماید. سرعت از خصایص ذاتی تجارت می‌باشد اطلاع دادرسی در دعاوی تجاری نیز تجار و موسسات تجاری را با مشکلات جدی اقتصادی روبرو می‌نماید. تسریع در دادرسی تجاری مستلزم ایجاد دادگاه تجاری با آیین دادرسی خاص می‌باشد. در حقوق فرانسه که اختلافات تجاری در آن در دادگاه‌های اختصاصی تجاری رسیدگی می‌شود. برخی اصول از جمله مرور زمان، اجرای موقت احکام و دادرسی اختصاری را که ناشی از اصل سرعت می‌باشد در آیین دادرسی تجاری خود لحاظ نموده اند. (غمامی، محسنی، ۱۳۹۰، ۴). در حقوق ایران نیز وجود مقرراتی حاکی از توجه قانون گذار به اصل سرعت در دادرسی‌های تجاری می‌باشد ولی متأسفانه به جهت فقدان دادگاه خاص تجاری و منسجم نبودن این مقررات نتیجه مطلوبی حاصل نشده است. از جمله این مقررات می‌توان به بحث مرور زمان در اسناد تجاری (مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ ق. ت) اجرای موقت حکم ورشکستگی (ماده ۴۱۷ ق. ت) حال شدن قروض موجب ورشکسته در راستای اصل سرعت (ماده ۴۲۱ ق. ت) اشاره کرد. در لایحه آیین دادرسی تجاری نیز در مواد ۱۱۴ تا ۱۲۷ این لایحه به مرور زمان اشاره شده و به کلیه دعاوی تجاری تعمیم داده شده. در خصوص دادرسی اختصاری لازم به ذکر است که رسیدگی به دعاوی مدنی و تجاری در محاکم در گذشته متفاوت بود یعنی رسیدگی به دعاوی تجاری به صورت اختصاری صورت می‌گرفت، در حالی که رسیدگی به دعاوی غیر تجاری بر مبنای مبادله لوایح انجام می‌شد اما در حال حاضر این تفکیک وجود ندارد و رسیدگی در دادگاه‌های عمومی چه در امور تجاری و چه در امور غیر تجاری به طور عادی انجام می‌گیرد.

۲-۳- لزوم وجود امنیت و اعتماد در امور تجاری

در عالم تجارت، بازرگانان در امور تجاری این انتظار را دارند که قانون گذار با وضع قوانین ویژه و مناسب از آنان در مقابل خطرات و ضررهای احتمالی حمایت کند. در غیر این صورت به جهت فقدان این چنین قوانین حمایتی فعالیتهای تجاری متوقف شده و تجار به جهت ریسک بالای معاملات تجاری از ترغیب و تشویق انجام امور تجاری خود داری نموده و متعاقب آن مشکلات اقتصادی دامنگیر جامعه خواهد شد.

در این راستا قانون گذار باید با وضع مقررات تجاری، اصل امنیت را تضمین نماید. برخی از این قواعد به تبعیت از حقوق فرانسه در حقوق ایران عبارتند از مسولیت تضامنی امضاء کنندگان اسناد تجاری (ماده ۲۴۹ ق.ت) و اصل تساوی طلبکاران ورشکسته می‌باشد. بنابراین یکی از اهداف رسیدگی تخصصی و تشکیل دادگاه محکمه تجاری می‌تواند حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملاتی آنان باشد. علاوه بر آن وجود دادگاه تجاری می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای برخورد سخت گیرانه با تجار متخلف باشد. در نظر نویسندگان حقوقی اصل شدت عمل در حقوق تجارت ناشی از ویژه گی امنیت در حقوق تجارت می‌باشد (سماواتی، ۳، ۱۳۹۸)

۳- روند تخصصی سازی و ایجاد محکمه تجاری با توجه به مقررات فعلی

در حال حاضر با توجه به مقررات تجاری فعلی لزوم تخصصی سازی و ایجاد محکمه تجاری پیش از پیش ضروری و دارای اهمیت است. برای روشن شدن موضوع به بررسی این مقررات می‌پردازیم.

۳-۱- قانونگذار در قانون تجارت امور تجاری را پیش بینی نموده است و در ماده ۲ این قانون امور تجاری را شمارش و احصا نموده است و خواسته امور تجاری را از امور غیر تجاری تفکیک نماید. مسلماً پیش بینی امور تجاری و ذکر مصایق آن به این منظور بوده که این امور از امور مدنی جدا شوند چون امور تجاری همچنان که ذکر شد دارای ویژه گی‌های تخصصی بودن و امنیت و سرعت می‌باشند از زمان تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ این سوال مطرح بوده است که اگر قرار بر این باشد که امور تجاری با امور غیر تجاری تابع یک نوع نظام رسیدگی و آیین دادرسی واحد باشد تفکیک بین این امور چه فایده ای خواهد داشت. ماده یک قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ رسیدگی به دعاوی بازرگانی را در کنار سایر دعاوی تابع یک مقررات قرار داده است و رسیدگی به دعاوی تجاری نیز در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های عمومی قرار گرفته است.

۳-۲- قانونگذار در آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ دادرسی اختصاصی را پیش بینی نموده بود و بر اساس ماده ۱۴۳ این قانون دعاوی تجاری به صورت دادرسی اختصاری رسیدگی می‌شد. این امر به جهت رعایت اصل سرعت در امور تجاری و رسیدگی به اختلافات تجاری پیش بینی شده بود و در اصلاحات جدید به جای تقویت آن به جهت فقدان بسترهای مناسب و عدم وجود دادگاه تجاری، از سیستم قضایی ایران حذف شده و رسیدگی در دادگاه‌های عمومی چه در امور تجاری و چه در امور غیر تجاری امروزه به صورت عادی به عمل می‌آید.

۳-۳- باز در جهت رعایت اصل سرعت قانونگذار با تبعیت از مقررات کشور فرانسه در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نهاد اجرای موقت حکم را مقرر نموده بود و بر اساس بند ۵ ماده ۱۹۱ این قانون در دعاوی تجاری، حکم دادگاه به طور موقت قابل اجرا بود با نسخ این قانون و تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، اجرای موقت احکام صادره در دعاوی تجاری حذف شد. باز لازم به ذکر است که عدم وجود بسترهای مناسب و عدم وجود قواعد دادرسی ویژه در دعاوی تجاری و نهایتاً فقدان دادگاه خاص تجاری نتیجه این امر بود. البته در نظر اساتید حقوق تجارت حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۷ ق.ت. هنوز هم به طور موقت قابل اجرا است (اسکنی، همان منبع، ۵۰)

۳-۴- در لایحه تجارت در آخرین اصلاحات در سال ۱۴۰۳ قوه قضاییه موظف شده است ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در کلیه حوزه‌های قضایی شهرستان‌های مرکز استان به تعداد کافی شعبه دادگاه تجارت تشکیل دهد (ماده ۴۸۲ این لایحه) این لایحه برای اولین بار در سال ۸۴ به مجلس ارایه شده است تغییرات زیادی قبل از تصویب داشته است و تا به حال به طور نهایی تصویب و لازم الاجرا نشده است مسلماً چنانچه این لایحه به تصویب نهایی رسید دادگاه تجاری در اجرای این قانون باید ایجاد شود و این دادگاه پس از ایجاد شدن به طور اختصاصی صلاحیت رسیدگی به دعاوی تجاری را خواهد داشت ولی با توجه به ماده ۴۸۴ این لایحه رسیدگی به امور و دعاوی تجاری تابع اصول و مقررات دادرسی مدنی خواهد بود و آیین دادرسی ویژه ای برای رسیدگی به دعاوی تجاری در این لایحه پیش بینی نشده است.

۳-۵- لایحه آیین دادرسی تجاری که در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۹۹ به مجلس ارایه شده است تشکیل دادگاه تجاری و ساختار و صلاحیت آن در این لایحه پیش بینی شده است ولی این لایحه هنوز به تصویب نرسیده است و با توجه به سوابق لوایح تجاری که تصویب آنها به درازا می‌کشد. تشکیل محکمه تجاری به این زودی‌ها میسر نخواهد شد.

۳-۶- در اجرای آیین نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و به استناد تبصره ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب سال ۱۳۹۰ و در اجرای دستور رییس محترم قوه قضاییه موضوع نامه شماره ۱۰۲۲۲۹۰۰۱۵ مورخه ۱۳۹۹/۰۲/۰۴ و تحقق منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبنی بر اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تحقق جهش تولید و به منظور حمایت از سرمایه گذاری سالم، شناسایی موانع قانونی و اصلاح ساختارهای اداری موجود که منجر به طرح دعاوی تجاری می‌شوند و استفاده از ظرفیت‌های قانونی و بهره گیری از نظرات متخصصین با هدف رسیدگی دقیق و عالمانه به معضلات حقوق در بخش تولید

و تجارت کشور و ایجاد امنیت در زمینه سرمایه‌گذاری و همچنین استفاده از نهادهای صلح و سازش، میانجیگری و داوری، ضمن تسریع در رسیدگی و صدور رای و اجرای احکام، دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران ابلاغ شده است.

تدوین این دستور العمل از اقدامات قابل توجه و مثبت دستگاه قضایی می‌باشد ولی باید توجه داشت که علاوه بر اینکه هدف از تشکیل این مجتمع قضایی اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشد. با عنایت به ماده یک این دستور العمل این دادگاه یک دادگاه عمومی است به عبارتی شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی تجاری اختصاص یافته است. و این دادگاه‌ها تفاوتی با دیگر محاکم عمومی نخواهند داشت و صلاحیت آنها عام می‌باشد. یعنی ارجاع پرونده‌های دیگر به این شعب امکان پذیر است. در حالی که دادگاه اختصاصی باید به موجب قانون تشکیل شود و صلاحیت آن منحصر به موارد مصرح در قانون باشد. از طرفی دیگر به جهت فقدان آیین دادرسی تجاری، رسیدگی در این شعب همانند رسیدگی به سایر دعاوی خواهد بود و دعاوی تجاری مشمول قواعد عمومی رسیدگی خواهند بود. لازم به ذکر است که تشکیل این دادگاه‌ها با توجه به دستورالعمل فوق فقط در تهران می‌باشد.

قوانین تجاری برخی از قواعد خاص را بر اساس ویژه گی‌های خاص امور تجاری و دعاوی تجاری پیش بینی نموده است وضع این قوانین حاکی از آن است که قانون گذار به ویژه گی‌های خاص امور تجاری و دعاوی تجاری واقف بوده است. مسلماً اجرای مناسب این قوانین مستلزم وجود دادگاه خاص تجاری می‌باشد. از جمله این مقررات تفکیک تاجر از غیر تاجر (ماده یک ق. ت) و تکالیفی که تجار مطابق قانون دارند از جمله داشتن دفاتر تجاری (ماده ۶ ق. ت) ثبت اسم تجار در دفاتر ثبت تجاری (ماده ۱۶ ق. ت) تفکیک امور تجاری از امور غیر تجاری (مواد ۲ الی ۵ ق. ت) پیش بینی مرور زمان در اسناد تجاری (ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ ق. ت) لازم به ذکر است که در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ هـ. ش مواد ۷۳۱ به بعد در خصوص مرور زمان بود. و مرور زمان یکی از اسباب رعایت اصل سرعت در امور تجاری و دعاوی تجاری بود که در اصلاحات قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هـ. ش مرور زمان حذف شده و بابتی در این قانون به این بحث اختصاص نیافته است. با اینکه شورای نگهبان مرور زمان را مخالف موازین شرع اعلام کرده است (مهرپور ۱۳۷۱، ص ۲۳۱) و در عمل دادگاه‌ها نظریه شورای نگهبان را شامل همه موارد راجع به مرور زمان می‌دانند. برخی از حقوقدانان معتقدند چون موضوع نظریه فقهای شورای نگهبان، مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ بود. سایر مواد خاص راجع به مرور زمان از جمله مرور زمان اسناد تجاری به قوت خود باقی است (دمیرچیلی، خاتمی، قرایی، ۱۳۸۶، صص ۳۱۸ و ۳۱۹) ایجاد مسولیت تضامنی در اسناد تجاری (مواد ۲۴۹، ۳۰۹، ۳۱۴ ق. ت) حال شدن دیون موجدل ورشکسته در جهت رعایت اصل سرعت و اصل تساوی (مواد ۴۱۹، ۴۲۱ ق. ت) و ماده ۲۹ ق. ا. ت. و) از دیگر ویژه گی‌های امور تجاری می‌باشند.

نتیجه

با توجه به تخصصی و پیچیده بودن روابط تجاری، رسیدگی به دعاوی ناشی از این روابط مستلزم وجود دادگاه اختصاصی تجاری با آیین دادرسی ویژه می باشد که قضات آن در این خصوص تجربه و تخصص لازم را داشته باشند. در اکثر کشورهای پیشرفته جهان مانند فرانسه اقدامات لازم در این خصوص انجام شده و دادگاه تجاری با صلاحیت اختصاصی در سیستم قضاوتی این کشورها ایجاد شده است. در کشور ایران با اینکه فکر ایجاد این نوع دادگاه سابقه دیرینه دارد و اخیراً نیز اقدامات موثری مانند تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران و تدوین لوایحی در خصوص تشکیل این نوع دادگاهها صورت گرفته است. ولی لازم به ذکر است که مجتمع قضایی تخصصی که در تهران تشکیل شده اند شعبی از دادگاههای عمومی بوده و اختصاصی محسوب نمی شوند و نیز لوایحی که تنظیم شده اند تا به حال به تصویب نهایی نرسیده اند و امروزه شاهد فقدان دادگاههای تجاری اختصاصی در سیستم قضاوتی کشورمان هستیم.

منابع

- افتخار جهرمی، گودرز وخراسانی، سید علی، ۱۳۹۶، تبیین اصول وقواعد
- دادرسی تجاری و ارزیابی کارایی آن از منظر حقوق، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره یک، صص ۴۵ - ۶۵۲
- اسکینی، ربیعا، ۱۳۹۸، حقوق تجارت، ج اول، ج ۲۶، تهران، انتشارات سمت
- دمیر چیلی، محمد، حاتمی، علی، قرایی، محسن، ۱۳۸۶، ج ۶، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، نشر میثاق عدالت
- سماواتی، حشمت الله، ۱۳۹۸، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۷، تهران، انتشارات میزان
- ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۸، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱۱، تهران، نشر دادگستر
- شمس، عبدالله، ۱۴۰۰، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۹، انتشارات میزان
- عرفانی، محمود، ۱۳۹۸، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۸، انتشارات دانشگاه تهران
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، ۱۳۹۰، ج ۳، آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران، انتشارات انتشارات سهامی انتشار
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، چ ۳، موسسه نشر یلدا
- متین دفتری، احمد، ۱۳۹۰، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، چ ۴، تهران، انتشارات مجد،
- مهرپور، حسین، ۱۳۷۱، مجموعه نظرات شورای نگهبان، ج ۳، انتشارات کیهان
- معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵، معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی

The Necessity of Specializing Commercial Disputes and the Imperative of Establishing Dedicated Commercial Courts

Abstract:

In the Iranian legal system, general jurisdiction is the default, and the establishment of specialized courts is considered an exception, limited to instances explicitly provided by procedural laws. Although the legislature recognizes the significance of judicial specialization and has taken important steps in this regard—such as the establishment of family courts for family-related disputes—the Iranian judiciary currently lacks a dedicated commercial court system.

In recent years, a judicial complex for commercial disputes was established under the title of the Specialized Judicial Complex for Commercial Claims. However, due to the absence of a distinct commercial procedure code, these courts operate under the general procedural rules applicable to civil courts. Moreover, since they function as branches of general courts, they are not formally recognized as specialized courts, and other types of claims can be referred to them without restriction.

This research aims to address the fundamental question: What challenges does the absence of specialized commercial courts pose for Iran's judicial system? Through a descriptive-analytical approach and a review of relevant literature, the study examines the necessity of judicial specialization in commercial disputes and the institutionalization of dedicated commercial courts. The findings suggest that the lack of such courts—considering the distinct nature of commercial law and commercial litigation—results in several critical issues, including diminished trust among business actors, prolonged litigation processes, and hindered commercial and economic development in the country.

Keyword: Commercial Disputes, Commercial Courts, Specialized Courts

